

## نقش شبکه‌های ارتباطی در پیدایش جنبش‌های جدید اجتماعی (با تأکید بر شکل‌گیری گفتمان انقلاب اسلامی)

فرهاد رشیدی<sup>۱</sup>، بهناز اژدری<sup>۲</sup>، مجید گل پرور<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲

**چکیده:** از اواخر قرن بیستم، شبکه‌های ارتباطی از مهمترین عوامل در پیدایش جنبش‌های جدید اجتماعی به شمار می‌روند که هژمونی بسیاری از دولت‌ها را بر افکار عمومی تحت الشعاع قرار دادند. یکی از مهمترین جنبش‌های جدید اجتماعی در قرن بیستم، شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران است. جنبش اجتماعی ایران در دهه ۵۰ شمسی با تکیه بر کنشگران فعال و متکی بر شبکه‌های ارتباطی و عناصر فرهنگی اسلام شیعه موفق به شکل‌گیری گفتمان انقلاب اسلامی در ایران شد. پرسش اصلی پژوهش این است که چگونه شبکه‌های ارتباطی در شکل‌گیری جنبش و گفتمان انقلاب اسلامی در دهه ۵۰ موثر واقع شد؟ فرضیه پژوهش بر مبنای دیدگاه «آلن تورن» جامعه‌شناس فرانسوی درباره کنشگری فعال شکل یافته است که شبکه‌های ارتباطی نوین روحانیون و مذهبی‌ها در مساجد، منابر و حسینیه‌ها به همراه دستگاه‌های انتشار اطلاعات، بر افکار عمومی جامعه ایرانی تأثیر گذاشتند و با ایجاد شکاف در تسلط و هژمونی دولت پهلوی دوم بر جامعه ایرانی، موجب شکل‌گیری گفتمان انقلاب اسلامی شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رهبری بسیج‌کننده، شبکه مساجد و حسینیه‌ها و رسانه‌های نوین از مهمترین عوامل در پیدایش گفتمان انقلاب اسلامی در ایران به شمار می‌روند. روش پژوهش نیز توصیفی-تحلیلی است.

**واژگان اصلی:** جنبش‌های جدید اجتماعی، انقلاب اسلامی، شبکه‌های ارتباطی، بسیج سیاسی، مردم.

<sup>۱</sup>گروه علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران. f.rashidi1039@iau.ac.ir

<sup>۲</sup>گروه علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران. b.azhdari9@iau.ac.ir

<sup>۳</sup>گروه علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران. Majid.golparvar@iau.ac.ir

## ۱. مقدمه

با گسترش شبکه‌های ارتباطی در اواخر قرن بیستم، جهان به طور روز افزونی با انقلاب اطلاعاتی و تکنولوژیکی روبرو شد و شبکه‌های اجتماعی، هژمونی بسیاری از دولتها و انحصار آنها را بر افکار عمومی با چالش‌های جدی مواجه کرد. یکی از مهمترین جنبش‌های جدید اجتماعی که تحت شبکه‌های اجتماعی از بنیاد متحول شد جنبش اجتماعی انقلاب اسلامی بود که هژمونی دولت پهلوی و تسلط آن را بر افکار عمومی تحت الشعاع قرار داد. پیدایش شبکه‌های ارتباطی ایران در دهه ۵۰ شمسی حرکتی نو و با ابعادی متنوع بود که در شکل‌گیری گفتمان انقلاب اسلامی نقشی مهم داشت. شبکه‌های ارتباطی شکل گرفته در مساجد، حسینیه‌ها، توزیع و تکثیر جزوات توسط دستگاه‌های چاپ و شبکه‌های مذهبی بخشی از این شبکه‌های ارتباطی نوین بودند که انحصار و تسلط رژیم پهلوی و دستگاه سرکوب را در ایران شکست و به پیروزی انقلاب اسلامی منجر شد. «آلن تورن» جامعه‌شناس فرانسوی با اشاره به پایان عصر انقلاب‌های عظیم و ظهور تغییرات اجتماعی، جنبش‌های جدید اجتماعی را یکی از انواع رفتارهای جمعی و اعتراضی تلقی می‌کند که پاسخ‌دهی از مردم به یک وضعیت یا مساله‌ای خاص است و مختص جوامع مدرن تلقی می‌شود. این جنبش‌ها معمولاً در رابطه با یک تضاد یا شکاف اجتماعی - سیاسی شکل می‌گیرند و بسترهای تحول اصلاحی یا انقلابی را در جوامع شکل می‌دهند.

پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخ به این پرسش است که چگونه شبکه‌های ارتباطی در شکل‌گیری جنبش و گفتمان انقلاب اسلامی در دهه ۵۰ موثر واقع شد؟ به منظور پاسخ به این پرسش فرضیه زیر صورت بندی می‌شود که شبکه‌های ارتباطی نوین روحانیون و مذهبی‌ها در مساجد، منابر و حسینیه‌ها در کنار تاسیسات و دستگاه‌های انتشار اطلاعات بر افکار عمومی جامعه ایرانی در دهه ۵۰ شمسی تاثیر گذاشتند و تسلط و هژمونی دولت پهلوی دوم را بر جامعه ایرانی از هم گسست و موجب شکل‌گیری گفتمان انقلاب اسلامی شد.

بدین منظور در پژوهش حاضر، ابعاد این شبکه های ارتباطی و قدرت نفوذ و تاثیرگذاری آنها بر جامعه ایرانی و شکل‌گیری گفتمان انقلاب اسلامی به بحث گذاشته می‌شود. روش تحقیق نیز توصیفی - تحلیلی است.

## ۲. پیشینه تحقیق

«جان اسپوزیتو» و «جان وال» در کتاب «جنبش‌های اسلامی معاصر» (۱۳۹۶)، به بررسی مولفه های جنبش‌های جدید اجتماعی و انقلاب ایران پرداخته‌اند. آنها الگوی سیاسی - دینی انقلاب ایران را شهادت امام حسین (ع) معرفی کرده‌اند و نبرد میان ظالم و مظلوم را در قالب یک جنبش سیاسی دینی جدید توضیح داده‌اند.

«آلن تورن» در کتاب «بازگشت کنشگر: نظریه اجتماعی در جامعه پسا صنعتی» (۱۴۰۰)، نظریه جدید جامعه‌شناسی کنش را ارائه می‌دهد و مطالعه جنبش‌ها را بر مطالعه ساختارها تقدم می‌بخشد و مفاهیم تاریخ‌مندی، جنبش اجتماعی و سوژه را جایگزین جامعه، تکامل و نقش می‌کند.

محمود سریع القلم در کتاب «اقتدارگرایی ایرانی در عهد پهلوی» (۱۳۹۸) به ویژگیهای حکومت پهلوی و شخص شاه در مدیریت دولت و سیستم اداری می‌پردازد. جان فوران در کتاب «انقلاب ایران، دو دیدگاه»، (۱۹۹۴)، از دو دیدگاه مختلف به انقلاب ایران نگاه می‌کند. جان فوران در این اثر به تجزیه و تحلیل علل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی انقلاب اسلامی پرداخته و دو دیدگاه مختلف را از «جنبش انقلابی» و «جنبش اسلامی» در ایران بررسی می‌کند. این کتاب به‌ویژه به نقشی که طبقات مختلف اجتماعی در این انقلاب ایفا کردند، توجه دارد و تحلیل‌های جامعه‌شناختی قابل توجهی ارائه می‌دهد.

آصف بیات در کتاب «سیاست‌های خیابانی: جنبش تهری دستان در ایران» (۱۳۹۱)، به بررسی آثار نوسازی رژیم پهلوی طی دهه ۵۰ و مبارزه حاشیه‌نشینان و تهری دستان در انقلاب ایران پرداخته است و نسبت به نمادهای تاثیرگذار بر اذهان ایرانیان بی‌توجه بوده است.

معجد استوار در کتاب «انقلاب اسلامی و نبرد نمادها»، (۱۳۹۲)، به بررسی عوامل نمادین پیدایش انقلاب پرداخته و در بخشی از اثر خود اقدامات انقلاب سفید و

اصلاحات ارضی و ظهور اندیشه های سیاسی جدید را در شکل گیری ذهنیت انقلابی و تمادین در دهه ۵۰ شمسی موثر دانسته است.

مهران کامروا در کتاب «انقلاب ایران: ریشه های ناآرامی و شورش» (۱۳۹۸)، با رویکردی متفاوت به بررسی عوامل شکل گیری انقلاب ایران و تاثیر شبکه های اجتماعی مذهبی بر این جنبش پرداخته است.

مسعود کمالی در کتاب «جامعه مدنی، دولت و نوسازی در ایران معاصر» (۱۳۸۱)، به بررسی نقش دولت پهلوی در نوسازی ایران و پیدایش مخالفان مذهبی و ویژگی های جامعه مدنی در این دوره پرداخته است.

منصور بهرامی در کتاب «تاریخ انقلاب اسلامی ایران» (۱۳۹۵)، به تفصیل به بحث درباره عوامل ناکارآمدی دستگاه سرکوب در مقابله با جنبش اجتماعی و سیاسی انقلاب پرداخته است.

پژوهش حاضر به دلیل اهمیت تاریخی و سیاسی در تحلیل نقش شبکه های ارتباطی در جنبشهای جدید اجتماعی از نوآوری و تمایز برخوردار است و با استفاده از نظریه آلن تورن تلاش می کند جنبش اجتماعی دهه ۵۰ شمسی را در ایران بررسی کند.

### ۳. مبانی نظری

کاستلز<sup>۱</sup> بحثهای مفصلی درباره جنبش های اجتماعی و شبکه های اجتماعی دارد و هرگونه تلاش مشترک برای منافع مشترک و خارج از حوزه رسمی را جنبش اجتماعی می نامد. این جنبش ها در سراسر تاریخ تولیدکننده ارزشها و اهدافی بوده اند و نهادهای جدیدی را بر مبنای این تغییر پدید آورده اند. جنبشهایی که خارج از کنترل صاحبان قدرت شکل می گیرند و بروز و ظهور پیدا می کنند. (کاستلز، ۱۳۹۳: ۱۷-۱۱).

«آلن تورن»<sup>۲</sup> در مطالعات خود به نظریه پایان جامعه و ظهور کنشگر فاعل و ظهور جامعه فرامردن ارتباطی نام می برد. وی در بررسی های خود متوجه شد خودمختاری، خوداتکایی و استقلال فردی از ویژگیهای جنبشهای جدید اجتماعی است. از دید تعدادی از جامعه شناسان نظیر «پیر بوردیو»، یکی از مهمترین علل شکل گیری جنبشهای

<sup>1</sup>Manuel Castells

<sup>2</sup> Alain Touraine

اجتماعی جدید، فاصله میان خواسته‌های فرد و موقعیت اجتماعی افراد در اجتماع است. در چنین شرایطی «تورن» تاکید دارد که قدرت ابتکار و خلاقیت افراد در کنار موقعیتهای اجتماعی حایز اهمیت است و نظریه بازگشت کنشگر فاعل یا سوژه را مطرح کرد. وی جامعه در حال تحول را از مسیر جنبش‌های اجتماعی بررسی کرده و معتقد است جنبشهای اجتماعی به دنبال کنترل و در اختیار گرفتن تاریخ مندی هستند و جهت‌گیری فرهنگی آن بر دیگر جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی برتری دارد. (ایوبی، ۱۴۰۲: ۴۷۵-۴۷۳).

وی به عنوان یکی از تئوریسین‌های مهم در زمینه جنبش‌های اجتماعی، در تحلیل خود از جنبش‌های اجتماعی به‌ویژه در دهه‌های پایانی قرن بیستم، تأکید زیادی بر نقش آگاهی اجتماعی و تحولات فرهنگی در ایجاد جنبش‌ها داشت. نظرات وی در این زمینه عمدتاً بر نظریه‌پردازی درباره تأثیرات اجتماعی و سیاسی جنبش‌ها و همچنین نحوه ارتباط آن‌ها با تغییرات فرهنگی و ساختارهای اجتماعی متمرکز است. در ادامه به بخش مهم دیدگاه وی درباره جنبشهای اجتماعی اشاره می‌گردد.

### ۳.۱. جنبش‌های اجتماعی به‌عنوان پدیده‌های خودآگاه

تورن یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جنبش‌های اجتماعی را خودآگاهی اعضای آن‌ها می‌داند. او بر این باور است که جنبش‌های اجتماعی زمانی به‌وجود می‌آیند که گروه‌ها یا افراد در برابر یک بحران اجتماعی یا نابرابری‌های ساختاری به آگاهی جمعی دست یابند و شروع به مبارزه برای تغییر وضعیت موجود کنند. این خودآگاهی موجب می‌شود که جنبش‌ها به‌عنوان تلاش‌هایی آگاهانه برای تغییر ساختار اجتماعی و فرهنگی شکل گیرند.

### ۳.۲. جنبش‌های اجتماعی و قدرت اجتماعی

به عقیده تورن، جنبش‌های اجتماعی نه تنها در واکنش به نابرابری‌ها و ستم‌های موجود در جامعه شکل می‌گیرند، بلکه در پی دستیابی به نوعی قدرت اجتماعی و هویتی جدید برای گروه‌های مختلف نیز هستند. این جنبش‌ها به‌ویژه در جوامعی که تضادهای

اقتصادی و اجتماعی بالا است، به‌عنوان ابزارهایی برای تغییر اجتماعی و مبارزه با قدرت‌های غالب عمل می‌کنند

### ۳.۳. تأکید بر جنبش‌های فرهنگی و هویتی

یکی از ویژگی‌های شاخص نظریات تورن این است که او بیشتر جنبش‌های اجتماعی را از منظر فرهنگی و هویتی تحلیل می‌کند. او به‌ویژه بر جنبش‌هایی مانند جنبش‌های زنان، اقلیت‌ها و اقوام مختلف تأکید دارد و معتقد است که این جنبش‌ها به‌طور عمده از سوی گروه‌هایی هدایت می‌شوند که به‌دنبال حفظ هویت فرهنگی خود و مقابله با همگن‌سازی‌های فرهنگی هستند.

### ۳.۴. مبارزه برای حقوق فردی و اجتماعی

تورن همچنین بر اهمیت جنبش‌های اجتماعی به‌عنوان پدیده‌هایی تأکید دارد که در جست‌وجوی حقوق فردی و اجتماعی هستند. او معتقد است که جنبش‌های اجتماعی در پی تحقق عدالت اجتماعی و حقوق فردی، به‌ویژه در جوامعی با ساختارهای نابرابر، به میدان می‌آیند. این جنبش‌ها از طریق مبارزه برای تغییرات اجتماعی و سیاسی، توانسته‌اند در طی زمان به اصلاحات مهمی در نظام‌های اجتماعی دست یابند. (Touraine, 1981: 38-45).

آلن تورن نقش جنبش‌های اجتماعی را به‌عنوان ابزاری برای تغییر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بسیار مهم می‌داند. به‌ویژه او تأکید می‌کند که جنبش‌های اجتماعی نه تنها برای اعتراض به وضعیت موجود بلکه برای تغییرات ساختاری و فرهنگی در جامعه، و به‌دنبال دستیابی به قدرت اجتماعی و هویتی جدید، شکل می‌گیرند. نظریات تورن در تحلیل جنبش‌های اجتماعی تأکید زیادی بر آگاهی جمعی، هویت فرهنگی و مبارزات اجتماعی دارد.

تورن در کتاب «بازگشت کنشگر» با تأکید بر فاعل یا سوژه از پایان جامعه ای سخن می‌گوید که هژمونی غرب به پایان می‌رسد و هویت‌های فرهنگی و جنبش‌های مردمی و پوپولیستی آغاز می‌شود. در اینجا نقد مدرنیته و ابعاد آن از سوی کنشگر فعال مد نظر قرار گرفته است. کنشگری که نمی‌خواهد تحت تاثیر فشارهای نظام‌های سلطه، علائق

خود را شکل دهد و می‌خواهد خودش شکل دهنده و جهت دهنده باشد. کنشگری که به دنبال بازگشت به خویشتن و گذشته فرهنگی و منابع موثر بر تاریخ فرهنگی و اجتماع اشاره دارد. این جنبش در حدفصل گذار از یک جامعه به جامعه دیگری قرار می‌گیرد. (تورن، ۱۴۰۰: ۱۱۸-۱۰۸).

به طور کلی از نظر تورن هر آنچه که بنیان جامعه مدرن به شمار می‌رفت در حال فروپاشیده شدن بود و کنشگری خودبنیاد و فرهنگ ساز در حال ظهور است که الگوهای رایج را تغییر داده و دیگر نهادها و احزاب و دولتهای ملی پاسخگوی تفاوتها و ایده‌های نوظهور نیستند. از نظر وی عاطفه و احساس جای عقلانیت ابزاری و ستیزهای فرهنگی جای ستیزهای اقتصادی را گرفته است و قدرتهای سیاسی، نظامی و اقتصادی جایجا شده اند و افراد با اتکاء به خویشتن به دنبال ساخت دنیای اطراف خود هستند و به واقع فرد کنشگر و فرهنگ در صدر جنبشهای جدید اجتماعی قرار گرفته اند و فرد کنشگر رها از قیود و بندهای اجتماعی به دنبال تغییر بنیادی خارج از الزامات نظامهای سلطه گام بر می‌دارد. (ایوبی، ۱۴۰۲: ۴۸۸-۴۸۶).

بر مبنای نظریه مورد بحث «آلن تورن» درباره نقش کنشگر فعال و عناصر فرهنگی بر دیگر جنبه‌های هویتی در جنبش‌های جدید اجتماعی، جامعه ایران در دهه ۵۰ شمسی تحت تاثیر عناصر آگاهی بخش شبکه‌های اجتماعی و ظهور عناصر فرهنگی برآمده از گذشته فرهنگی و اسلامی توانست سلطه و هژمونی رژیم پهلوی را با بحران روبرو کند و گفت‌وگوهای انقلاب اسلامی را که گفت‌وگویی فرهنگی بود را مورد تاکید قرار دهد. این گفت‌وگو نوظهور در شرایطی شکل گرفت که جنبش اجتماعی جدیدی با تکیه بر عناصر فرهنگی و مذهبی ظهور یافت و مردم را تحت تاثیر قرار داد. بررسی ابعاد این گفت‌وگو در جنبش انقلابی دهه ۵۰ از اهداف پژوهش حاضر است که در ادامه بررسی می‌شود.

#### ۴. تحولات دولت و جامعه ایران در دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی

پس از سال ۱۳۳۲ نیروی دولت مطلقه در ایران بازسازی شد و دربار و ارتش به ایجاد تمرکز قدرت و سرکوب نیروها و قدرتهای گریز از مرکز اقدام کردند. ارتش با کمک نیروهای خارجی و حمایت شاه بازسازی شد و نیروهای امنیتی در سازمان جدید

ساواک یافتند. بنابراین قدرت مرکزی دولت بازیابی و تمرکز قدرت در اختیار شاه قرار گرفت و احزاب سیاسی و گروه‌های سیاسی ملی و توده ای سرکوب شدند. ساخت جدید قدرت به دنبال محدود ساختن قدرت طبقات اشرافی و سنتی بود و به برکشیدن طبقات متوسط نیاز داشت. به همین منظور دربار با حمایت از شکل‌گیری دولت نیرومند «علی‌امینی» تلاش کرد قدرت مجلس را کنترل کند و آنها را مرکز تجمع فئودالها و مانع اصلاحات معرفی کرد. مجلس دو سال و نیم تعطیل شد و با کمک ارتش و دولت رژیم سیاسی جدید با اتکاء بر نخبگان جدید سامان پیدا کرد. بعد از آن بسیاری از نیروهای قدیمی نظامی و ارتشی و اداری در معرض فساد کنار گذاشته شدند. ۳۳ سرلشگر و ۲۷۰ سرهنگ نظامی به دستور دولت بازنشسته شدند و به تدریج زمینه برای ظهور نخبگان جدید در ایران با نام کانون ترقی فراهم شد و در انتخابات بیست و یکم مجلس با حمایت دربار ۳۹ نماینده از کانون ترقی و ۲۰ نفر از کارگزاران اصلاحات ارضی انتخاب شدند و بعدها کانون ترقی به حزب ایران نوین تبدیل و بدین ترتیب عناصر اصلی دولت مطلقه با تکیه بر نخبگان جدید و بوروکرات و اجرای سیاستهای مدرن‌سازی فراهم آمد. این مدرن‌سازی متکی بر حزب، ارتش، منابع نفتی و بورکراسی بود و توسط نخبگان سیاسی جدید هدایت می‌شد. (بشیری، ۱۳۸۴: ۸۷-۶۷).

علاوه بر دولت، جامعه ایران نیز دستخوش تغییر شد. مدرن‌سازی ایران در دوره پهلوی دوم به واسطه درآمدهای نفتی روندی شتابان پیدا کرد. میزان درآمد نفت در سال ۱۳۴۲ شمسی، ۵۵۵ میلیون دلار بود که در سال ۱۳۴۷ شمسی به ۹۵۸ میلیون دلار، در سال ۱۳۵۰ به ۱/۲ میلیارد دلار و در سال ۱۳۵۳ به حدود ۲۰ میلیارد دلار رسید. با اجرای ۵ برنامه توسعه، صورت بندی سنتی جامعه ایران به صورت بندی مدرن تغییر کرد و با تاسیس کارخانه‌های صنعتی برخی مواد و کالاهای مهم در ایران تولید شد و در بهبود منابع انسانی و وضعیت بهداشت، از اواسط دهه ۱۳۵۰، نیمی از جمعیت کشور شانزده سال و دو سوم آن زیر سی سال بود. همین دگرگونی جمعیت در سالهای پایانی رژیم پهلوی در راهپیماییها و تظاهرات شرکت می‌کردند. وضعیت آموزش نیز از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۶ تحول قابل توجهی پیدا کرد. تاسیس دوازده دانشگاه جدید و افزایش دانشجویان ایرانی در دانشگاه‌های خارج از مهمترین این دستاوردها بود. آمار دانشجویان از ۲۴۸۸۵



به ۱۵۴۲۱۵ نفر رسید. یعنی طی چهارده سال نظام آموزشی ایران از لحاظ کمی بیش از سه برابر شد. افزایش این امکانات به توسعه شهرنشینی کمک کرد و در سال ۱۳۵۵ تقریباً ۴۸ درصد جمعیت کشور شهرنشین بودند و جمعیت کارمندان و کارگران به سرعت گسترش یافت. به تعبیری طبقه متوسط حقوق بگیر از ۳۱۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۳۵ به بیش از ۶۳۰۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۵۵ رسید و با جمع دانش آموزان و دانشجویان در حال ورود به این طبقه شامل ۱۸۰۰۰۰۰۰ نفر را شامل می شد. سرعت نوسازی، دولت را در اکثر رسته های شغلی از جمله آموزش با کمبود پرسنل متخصص روبرو کرد. این توسعه ناهمگون، طبقات حاشیه ای و فقیر شهری را نیز افزایش داد و توسعه اقتصادی و اجتماعی را در ایران با مشکلاتی مواجه نمود.

شاه با حمایت دستگاه های سرکوبگر ارتش و ساواک، راه را بر هر گونه توسعه سیاسی بست و فضای اجتماعی و سیاسی را آستن حوادث غیرقابل پیش بینی ساخت. با اینکه سطح زندگی مردم بهبود یافته بود اما میزان نارضایتی در بخشهای زیادی از جامعه در حال مدرن افزایش پیدا کرده بود. گسترش حلبی آبادها، افزایش آلودگی هوا و ترافیک، کیفیت زندگی بیشتر خانواده ها را در معرض آسیب قرار داده بود. در آستانه انقلاب، ۴۲ درصد از خانواده های تهرانی مسکن مناسبی نداشتند و امکانات شهری تهران وضعیت مناسبی نداشت. درآمدهای نفتی نتوانسته بود به فقر بسیاری از مهاجران روستایی به شهر پایان دهد (آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۵۵۱-۵۲۴).

تغییرات اجتماعی برآمده از انقلاب سفید، ساختار اجتماعی ایران را متحول کرد و روابط اقتصادی و اجتماعی دگرگون شد. برنامه اصلاحات ارضی تغییرات وسیعی در جامعه روستایی ایجاد کرد و تعارضات فرهنگی زیادی در میان ایرانیان به وجود آورد. یعنی هم زیستی سنت گرایی و غرب گرایی این تعارضات را و همچنین نارضایتی از وضع موجود افزایش داد. (کامروا، ۱۳۹۸: ۱۷۳-۱۶۴).

با افزایش قدرت محمدرضا شاه در عرصه نظامی، اقتصادی و سیاست خارجی، کنترل داخلی جامعه بیشتر شد و نهاد ساواک با ۵۳۰۰ نیروی تمام وقت به همراه بازرسی شاهنشاهی، رکن دو و ارتش به مشت آهنین شاه در انقیاد در آوردن جامعه تبدیل شد. در فقدان نظام حقوقی و مدنی و نبود چرخش نخبگان، شاه تنها فرد تصمیم ساز در

سیستم حکمرانی ایران بود و نیروهای امنیتی و نظامی ابزار کنترل جامعه. همین وضعیت زمینه اعتراض و ناراضی‌های جامعه روشنفکری را در ایران فراهم کرد و زمینه را برای خلق ایدئولوژی‌های متنوع آماده ساخت. (سریع القلم، ۱۳۹۵: ۲۴۲-۲۳۴). بنابراین جامعه ایران به واطسه تغییرات به وجود آمده و نوسازی صورت گرفته از بنیاد دگرگون شد و شرایطی را ایجاد نمود که ایده‌ها و اندیشه‌های جدید امکان تبلیغ و نفوذ پیدا کنند.

تحولات به وجود آمده در دولت و جامعه ایران موجب تغییر بنیادی ایران از صورت بندی سنتی به مدرن شد و باور و ذهن کنشگران ایرانی تغییر پیدا کرد و دیگر صرفاً از سوی دولت قابل دستکار نبود. همین تغییر ذهنها سبب شد که ایدئولوژیهای جدید در بسترهای فکری قابلیت نفوذ و سلطه پیدا کنند. اما این ایده‌های جدید در شرایط ارتباطی جدید و به توسط روشنفکران و روحانیان شبکه ساز موفق به گسترش گفتمان فرهنگی و فکری انقلاب اسلامی شدند. گفتمانی که با رجوع به عناصر فرهنگی و دینی و ابزارهای ارتباطی جدید می‌توانستند گفتمان غربگرایی و باستانگرایی رژیم پهلوی را با چالش روبرو سازند. در ادامه مولفه‌های این شبکه‌های ارتباطی و پیدایش گفتمان انقلاب اسلامی مورد بحث قرار می‌گیرد.

### ۵. شبکه‌های ارتباطی و پیدایش گفتمان انقلاب اسلامی در ایران

با نوسازی صورت گرفته در دهه ۴۰ و ۵۰ و تغییر ترکیب جمعیتی ایران و ظهور روشنفکران مخالف و پیدایش نوعی نوستالوژی سنت گرایی در ایران شد که گروه‌های اجتماعی و فرهنگی و جامعه ایران را به تدریج تحت تاثیر قرار می‌داد.

بنابراین در دهه ۵۰ از یک طرف جامعه ایران، جامعه‌ای بود که مردم آن به شدت تمایلات و علایق مذهبی خاصی داشتند؛ چنان‌که آموزه‌ها و ویژگیهای خاص مذهب تشیع، از قبیل مساله امامت، بحث انتظار در دوران غیبت آخرین امام شیعه، تقلید، فرهنگ و روحیه شهادت طلبی برخاسته از حماسه عاشورا در زندگی ایرانیان به چشم می‌خورد. از طرف دیگر در این جامعه، حکومتی دایر بود که کمترین تناسبی با این شرایط جامعه نداشت و بیگانگی فرهنگی، وابستگی به غرب و استبداد سیاسی بخشی از ویژگیهای حکومت ایران را در زمان شاه را تشکیل می‌داد. در چنین شرایطی بروز

ایدئولوژیهای رقیب مذهبی از سوی روحانیون و روشنفکران سبب تغییر باورها و دیدگاه های طبقات مذهبی و متوسط ایران می شد و آنها را با هویت مورد نظر رژیم پهلوی بیگانه می کرد. شبکه های ارتباطی از مهمترین عناصر هویت ساز جنبش اجتماعی ایران در دهه ۵۰ بود که کنشگران ایرانی به کنشگرانی فعال و تاثیرگذار تبدیل ساخت. این کنشگران انقلابی تحت تاثیر شبکه های ارتباطی در شکل گیری گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی قرار گرفت و تحولی بنیادین را در درون جامعه ایران ایجاد کرد. در ادامه به این عناصر فعال در تقویت شبکه های ارتباطی جدید در شکل گیری گفتمان انقلاب اسلامی پرداخته می شود.

### ۵.۱. تحول ارتباطی در جنبش انقلابی با رهبری بسیج کننده امام خمینی (ره)

جنبش اجتماعی ایران در دهه ۵۰ با ایدئولوژیهای متنوع مذهبی و غیر مذهبی روبرو بود اما آنچه که از سوی جامعه ایران مورد پذیرش قرار گرفت، هویت اسلام شیعی بود که روشنفکران مذهبی و روحانیان به رهبری امام(ره) ان را مورد تاکید قرار می دادند. همچنین ایدئولوژی بازگشت به خویشن از سوی علی شریعتی طرح شد و بازگشت به سنت و اسلام مورد توجه او و تعداد زیادی از روشنفکران قرار گرفت. کنشگران ایرانی به عنوان سوژه ای فعال با اتکاء به خود و عناصر بومی و بازگشت به خویشن و ابعاد معنوی اسلام شیعه تلاش کرد در امتداد ظهور یک جنبش جدید اجتماعی به مخالفت با رژیم پهلوی پردازد و امام خمینی (ره) نیز با طرح اسلام سیاسی از ویژگی های اسلام ناب گفت و تفاوت این اسلام را با اسلام آمریکایی مشخص ساخت. این ایده ها به افزایش توجه جامعه ایران به قدرت بسیج کنندگی اسلام سیاسی منجر شد و همین مساله امکان بسیج سیاسی را در سال ۵۷ برای مخالفان رژیم پهلوی فراهم نمود.

رهبری یکی از ارکان مهم از سوی جنبش انقلابی جامعه ایران در دهه ۵۰ شمسی پذیرفته شده بود. امام خمینی(ره) با رهبری بسیج کننده، جامعه پراکنده ایران را منسجم ساخت. سرخوردگان از مدرن سازی پهلوی را جذب کرد و به مفاهیم مذهبی، قدرت بسیج کنندگی و رهایی بخشی داد و اسلام سیاسی را تنها راه نجات دهنده آنان معرفی

کرد و موجب شکل‌گیری بسیج سیاسی در بستر مفاهیم ارتباطی جدید شد. (استوار، ۱۴۰۰: ۹۶). در واقع پیروزی انقلاب اسلامی به واسطه ویژگی‌های منحصر بفرد امام (ره) در رهبری و بسیج‌کنندگی ملت بود. این ویژگی با توجه به خصلت‌های وی به امام قدرتی فراتر از قدرت فیزیکی می‌داد که ویژگی‌های آن، مردم تحت تاثیر خود قرار داده و هرگونه فداکاری و جان فشانی را مهیا می‌کرد. این وضعیت منحصر بفرد در انقلاب ایران سبب شد که اتکاء به ملکوت و آسمان از هر قدرت فیزیکی کاراتر عمل می‌کرد تا آنجا که «لیلی عشقی» نویسنده فرانسوی معتقد بودند که انقلاب ایران انقلابی بود که در ملکوت شکل گرفته است. (عشقی، ۱۳۷۹: ۷۵). ویژگی‌های رهبری در کنار ایدئولوژی مبارزه و استفاده از شبکه‌های هم‌افزایی تبلیغ و هویت‌یابی در میان جامعه سبب افزایش توجه مردم به فعالیت سیاسی و انقلابی علیه رژیم پهلوی می‌شد و امکان بسیج سیاسی را برای امام و دیگر رهبران سیاسی فراهم می‌کرد. امام با اتکاء به پیروانش در داخل ایران این شبکه هم‌افزایی و هویت‌یابی را ایجاد کرده بود و مساجد و حسینیه‌ها و مراسم‌ها و آیین‌های مذهبی به محلی برای تعاملات نوین افراد و افزایش آگاهی سیاسی و در نتیجه بسیج منابع تبدیل شد. ایده‌ها و نمادهای رهبران انقلاب بر حوزه دینی متمرکز بود و بازاندیشی و ایجاد مفاهیم دینی، بسیج اجتماعی جامعه علیه رژیم پهلوی را در دهه ۵۰ شکل داد. مخالفان رژیم پهلوی از شیوه‌ها و ابزار ایدئولوژیک و آیین‌های شیعی به نفی ایدئولوژی سلطنت و شاه استفاده می‌کردند. (معدل، ۱۳۸۲: ۱۸۱).

بنابراین رهبری بسیج‌کننده امام خمینی (ره) در انقلاب اسلامی ایران یکی از جنبه‌های برجسته و تعیین‌کننده در پیروزی انقلاب بود. امام خمینی با استفاده از ویژگی‌های شخصیتی، فقهی، سیاسی و ارتباطی خود توانست مردم را در مبارزه علیه رژیم پهلوی متحد کند و این جنبش را به یک حرکت اجتماعی گسترده تبدیل نماید.

وی به‌عنوان مرجع تقلید شیعیان، مشروعیت دینی و مذهبی فراوانی در بین مردم داشت. این مشروعیت باعث شد تا کلام ایشان برای مردم ایران، به‌ویژه در دوران مبارزه با رژیم پهلوی، بسیار تأثیرگذار باشد. در حقیقت، بسیاری از توده‌ها به‌دلیل جایگاه دینی امام خمینی به او اعتماد کردند و رهبری ایشان را مشروع دانستند. امام با استفاده از مفاهیم دینی نظیر «ولایت فقیه» توانست نظامی را ترسیم کند که در آن، رهبری دینی با

حکومت اسلامی پیوند می‌خورد و مشروعیت مردمی را میسر می‌ساخت (غفاری، ۱۳۹۵: ۷۳).

یکی از ویژگی‌های رهبری امام خمینی، توانایی ایشان در ارائه پیام‌های شفاف و ساده برای مردم بود. امام در سخنرانی‌ها و پیام‌های خود از زبان ساده و صریح استفاده می‌کرد که قابل فهم برای اقشار مختلف مردم بود. این ویژگی کمک کرد تا توده‌های مردم، اعم از کارگران، کشاورزان، زنان، و دانشجویان، به راحتی با پیام‌های امام ارتباط برقرار کنند و در مسیر انقلاب حرکت کنند (مظفری، ۱۳۹۷: ۱۵۲). برای نمونه، امام خمینی با شعارهایی چون "نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی" توانست ائتلاف گسترده‌ای از گروه‌های مختلف اجتماعی را حول این ایده به‌وجود آورد.

امام خمینی توانست گروه‌های مختلف اجتماعی را حول یک هدف واحد گرد هم آورد. ایشان از توانایی خود در برقراری ارتباط با مردم از اقشار مختلف اجتماعی و مذهبی استفاده کرد و پیامی فراگیر از مبارزه علیه رژیم پهلوی و ضرورت تشکیل حکومت اسلامی را مطرح نمود. امام خمینی توانست حتی با گروه‌هایی که در ابتدا ممکن بود مخالفان او به‌شمار آیند، مانند برخی گروه‌های چپ‌گرا یا ملی‌گرا، وارد گفتگو و همکاری شود و در نهایت همه این گروه‌ها را به جبهه واحدی تبدیل کند (رجایی، ۱۳۹۴: ۱۳۹۴: ۲۵۹).

امام خمینی در شرایط بحرانی و فشارهای شدید از سوی رژیم شاهنشاهی و حمایت‌های بین‌المللی از آن، توانست رهبری خود را حفظ کرده و مردم را به مقاومت و ادامه مبارزه فراخواند. امام در این دوران با بیانیه‌های مختلف، حتی در مواقعی که بسیاری از رهبران اپوزیسیون دچار تردید شده بودند، از تداوم مبارزه سخن می‌گفت و بر ادامه حرکت انقلابی تأکید می‌کرد. سخنرانی‌ها و پیام‌های امام در این دوران باعث افزایش امید و استقامت مردم در برابر سرکوب‌ها و تهدیدات رژیم پهلوی شد (امامی، ۱۳۹۷: ۱۲۶).

## ۵.۲. شبکه مساجد و حسینیه‌ها و تحول فرهنگی

مساجد و حسینیه‌ها به یکی از مراکز اصلی ارتباط فرهنگی و اجتماعی مردم در دهه ۵۰ درآمد. در این سالها روحانیون و مراکز دینی به اصلی ترین محور مبارزه با رژیم پهلوی و شکل گیری گفتمان انقلاب اسلامی تبدیل شدند. استفاده از آیین ها و مراسمهای دینی و شیعی و ارایه سخنرانی و روشنگری یکی از مهمترین عناصر ارتباطی در دهه ۵۰ به شمار می رفت. یکی از روحانیان تاثیرگذار در انقلاب اسلامی در این باره می گوید:

«روحانیت شیعه در ایران واجد کارایی یک حزب تمام عیار است و فاقد عیوب احزاب، مساجد، حسینیه ها، هیاتهای مذهبی و امامزاده ها و مراکز مقدس مذهبی بود و زمان های مناسبش، رمضان، محرم و صفر، اعیاد و وفیات، که در آن مردم بیخ طور طبیعی جمع می شوند. روح حاکم بر این اجتماعات، عاشورا و امام حسین (ع) که عنوان مترقی ترین اندیشه مبارزه با طاغوت در تاریخ است، تفکر و شعارهای حسینی چنان روشنگر است که حتی در مجامع و مراسم ارتجاعی، که هیچ رنگ سیاسی نداشت، بی فایده نبود» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶: ۱۲۷).

«شریعتی» به عنوان یک روشنفکر با زبانی تاثیرگذار به تولید ایدئولوژیک مفاهیم دینی پرداخت و با نقد مدرنیزاسیون و غربگرایی رژیم پهلوی و شیفتگان غرب می گفت: «بیاید دوستان، بگذارید اروپا را رها کنیم. بگذارید از این تقلید تهوع آور و میمون وار از اروپا دست برداریم. بگذارید این اروپا را پشت سر بگذاریم. اروپایی که همواره از انسانیت سخن می گوید اما هر جا انسانها را می یابد نابودشان می کند.» (بروجردی، ۱۳۸۴: ۱۷۴).

فلذا از منظر «شریعتی» نقش روشنفکران بسان نقش پیامبران است که منشاء اثر در جهان هستند و وظیفه «ابلاغ پیام آگاهی و آزادی به گوش های بسته مردم و نشان دادن جهت به آن ها و بر افروختن آتش ایمانی جدید در جامعه ای ایستا» (نبوی، ۱۳۸۸: ۱۴۹) را بر عهده دارند. حسینیه ارشاد مهمترین ابزار مکانی برای ارایه سخنرانی شریعتی در دهه ۵۰ بود که جوانان و دانشجویان از مخاطبان اصلی آن به شمار می رفتند و تحت تاثیر سخنان وی، تحولی فرهنگی پیدا کرده و تحت تاثیر عناصر فرهنگی اسلام شیعه،

نگاهی مبارزه جویانه و انقلابی نسبت به رژیم پهلوی پیدا می کردند. اما این روحانیون بودند که از نفوذ بیشتری در جامعه ایران برخوردار شدند. سازمان یافتگی و شبکه سراسری مساجد و ارتباط با توده های مردم توسط روحانیون از مهمترین علل برتری و نفوذ آنها در جامعه ایرانی به شمار می رفت. (کامروا، ۱۳۹۸: ۲۲۵-۲۱۲).

امام خمینی (ره) در سخنرانی های خود بر اهمیت مساجد به عنوان مراکز اجتماعی و فرهنگی تأکید می کردند و مساجد را به عنوان پایگاه های اصلی نهضت و ابزارهایی برای برقراری ارتباط میان مردم و رهبری انقلاب معرفی می نمودند. ایشان معتقد بودند که مساجد علاوه بر وظیفه دینی، نقش محوری در بیداری و آگاهی مردم دارند و می توانند به عنوان مراکز مبارزه با ظلم و استبداد عمل کنند (خمینی، ۱۳۹۳: ۲۴۵).

امام خمینی در بسیاری از سخنرانی های خود بیان می کردند که حسینیه ها و مساجد مکان هایی هستند که نه تنها برای عبادت بلکه برای آموزش و سازماندهی مردم به ویژه در دوران مبارزه با رژیم پهلوی، از اهمیت زیادی برخوردار بودند. به عقیده ایشان، مساجد و حسینیه ها باید به مراکز آگاهی بخشی، هماهنگی و برنامه ریزی برای حرکت های اجتماعی تبدیل شوند و به عنوان پایگاه های پشتیبانی از انقلاب عمل کنند (خمینی، ۱۴۰۱: ۳۰۲).

به طور کلی در هنگام انقلاب، شبکه مساجد و حسینیه ها به عنوان مهمترین ابزار آگاهی رسانی و ایدئولوژی پردازی و بسیج سیاسی در ایران به شمار می رفت و نقش بنیادینی در کنشگری فعال در جنبش اجتماعی مردم ایران محسوب می شد.

### ۵.۳. شبکه رسانه های نوین

شبکه های رسانه های جدید در ایران دهه ۵۰ مبنی بر استفاده از نوارهای سخنرانی، دستگاه های نشر و پل کپی و شعار نویسی و حتی ایستگاه های رادیویی خارجی بوده است. سخنان افراد تاثیرگذار در انقلاب نظیر امام خمینی (ره) و علی شریعتی از طریق تکثیر نوارها و اعلامیه ها و جزوات تکثیر و در اختیار مخاطبان قرار می گرفت و عناصر فرهنگی انقلابی اسلام شیعه از این طریق منتشر و فراگیر می شد. مفاهیم فرهنگ اسلامی و آیین های شیعه نظیر کربلا، شهادت، عاشورا و امام حسین (ع) بیش از پیش در

دیوان‌نویسته‌ها و سخنان رهبران سیاسی و مذهبی بازتاب یافت. شبیه‌سازی سلطنت شاه به حکومت یزید، وارثین حسین (ع) به پیروان امام خمینی (ره)، لشکر خمینی به پیرو حسنی و ارتش حسینی به رهبری خمینی و تشبیه ایران به کربلا از مهمترین عناصر فرهنگی و شعارهای نمادین در انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌رفت. (حسن زاده، ۱۳۸۶: ۲۲-۱۵).

نوارهای سخنرانی و اعلامیه‌های امام (ره) در دهه ۵۰ با استفاده از تاسیسات جدید نشر به سرعت گسترش می‌یافت و در میان مخاطبان توزیع می‌شد. این ابزارها به عنوان شبکه‌های ارتباطی جدید موجب تسهیل ارتباطات پیروان و مبارزان انقلابی می‌شد و امکان بسیج سیاسی را آسانتر می‌کرد.

یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که امام خمینی برای بسیج مردم استفاده کرد، رسانه‌ها بودند. ایشان به‌ویژه از رادیو و تلویزیون برای رساندن پیام‌های خود به سراسر کشور بهره می‌برد. با توجه به سرکوب شدید رژیم پهلوی، امام خمینی سخنرانی‌های خود را از پاریس از طریق رادیو به مردم ایران منتقل می‌کرد. این پیام‌ها به‌ویژه در دوران تبعید امام بسیار تأثیرگذار بود و توانست میلیون‌ها ایرانی را به جنبش انقلاب ملحق کند (جعفری، ۱۳۹۶: ۲۰۳).

به طور کلی رسانه‌های نوین نقش اساسی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران ایفا کردند. امام خمینی (ره) و دیگر رهبران انقلاب با بهره‌گیری از رسانه‌های نوین، به‌ویژه رادیو، تلویزیون، و انتشار جزوات و بیانیه‌ها، توانستند پیام خود را به جامعه ایران و حتی خارج از کشور منتقل کنند. رسانه‌های نوین در آن زمان به‌ویژه رادیو و تلویزیون در ایجاد ارتباط میان رهبری و مردم و بسیج عمومی علیه رژیم پهلوی نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند. به طور خاص، رسانه‌های خارجی مانند رادیو بغداد و سپس رادیو و تلویزیون انقلاب اسلامی در پاریس، به انتقال مستقیم پیام‌های امام خمینی و اخبار انقلاب کمک کردند (آیتی، ۱۳۹۶: ۱۳۴).

در دوران مبارزات، رادیو و تلویزیون به‌عنوان ابزارهایی برای نشر بیانیه‌ها، سخنرانی‌ها و خط‌مشی‌های رهبران انقلاب استفاده می‌شدند. به عنوان مثال، سخنرانی‌های امام خمینی که از طریق رادیو و تلویزیون‌های مختلف منتشر می‌شد،



تأثیرات بسیار زیادی در آگاهی‌بخشی به مردم و بسیج آنان علیه حکومت پهلوی داشت. همچنین، با ایجاد شبکه‌های ارتباطی نوین از طریق چاپ و توزیع نشریات انقلابی در داخل و خارج از کشور، اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به عموم مردم تسریع شد (میرصادقی، ۱۳۹۵: ۱۸۰).

در نهایت، رسانه‌های نوین و استفاده از امکانات رسانه‌ای موجب تقویت همبستگی میان گروه‌های مختلف اجتماعی و مذهبی در ایران شدند. به گفته پژوهشگران، استفاده از رسانه‌های نوین در آن زمان سبب شد که انقلاب اسلامی به عنوان یک حرکت سازمان‌یافته و مردمی در برابر رژیم پهلوی به نتیجه برسد و تحولات بزرگ اجتماعی و سیاسی را رقم بزند (شجاعی، ۱۴۰۰: ۲۵۵).

### نتیجه‌گیری

شبکه‌های ارتباطی به عنوان یکی از مهمترین عوامل شکل‌گیری جنبش‌های جدید اجتماعی، نقشی تأثیرگذار در پیدایش گفت‌وگوهای انقلاب اسلامی داشته‌اند. سوژه‌ها و کنشگران فعال در جامعه ایرانی در دهه ۵۰ شمسی با رجوع به خویش‌نواختن و عناصر فرهنگی موجود در سنت‌های دینی جامعه ایرانی تحولی بزرگ در ذهن مخاطبان ایجاد کردند و زمینه را برای پذیرش ایده‌های انقلابی فراهم کردند.

در این پژوهش ظهور سوژه‌های فعال و شکل‌گیری انقلاب اسلامی را بر مبنای دیدگاه‌های نظری «آلن تورن» بررسی کرده و این موضوع مورد توجه قرار گرفت که کنشگران فعال ایرانی با بازگشت به خویش‌نواختن و گذشته اسلامی و ارزش‌های بومی و معنوی به مقابله با ارزش‌های حاکم بر رژیم پهلوی پرداختند و به دنبال استقلال سیاسی و قطع وابستگی به غرب را دنبال کردند. بنابراین رهایی از ارزش‌های هژمونیک دولت پهلوی و ساختن ارزش‌های ایدئولوژیک بومی و اسلامی با اتکاء به درون مورد تأکید قرار گرفت. گفت‌وگوهای انقلاب اسلامی ایران در بستر این سوژگی فعال و با رهبری بسیج‌کننده و شبکه‌ساز از یکسو و طرح ایدئولوژی رهایی‌بخش اسلام سیاسی یک تحولی عظیم در انسان‌ها ایجاد کرد و با استفاده از شبکه‌های آگاهی‌رسانی مساجد، حسینیه‌ها، آیین‌ها و مراسم‌های شیعی موفق شد توده‌های مردمی را آگاه سازد و آنها را به کنشگران فعال

تبدیل نماید. این کنشگران جدید ضمن شکل‌گیری فهم مشترکشان از ظلم و ستم و نابرابری، به عنوان سوژه‌ای اثرگذار و هویت‌بخش در جامعه ایرانی تبدیل شدند و رژیم پهلوی را ساقط و گفتمانی جدید را به وجود آوردند. گفتمان جدید انقلاب اسلامی در بستر شبکه‌های رسانه‌ای نوین نظیر نوار، اعلامیه، شعار و آیین‌های مذهبی گسترش یافت و با رهبری بسیج‌کننده امام (ره) و روحانیون، ساختاری نو یافت و ارزشهای جدید اجتماعی را جایگزین ارزشهای پیشین کرد. این ارزشهای جدید مبتنی بر اسلام سیاسی و مذهب شیعه، موجب تحول اجتماعی جامعه ایرانی و بسیج سیاسی آنها حول اسلام سیاسی شد. به طور کلی می‌توان گفت که این تحول ذهنی و اجتماعی در کنار سوژگی فعال کنشگران و رهبری بسیج‌کننده به همراه شبکه‌های رسانه‌ای زمینه‌ساز گفتمان انقلاب اسلامی در ایران شد.

## منابع

۱. اسپوزیتو، جان، وال، جان. (۱۳۹۶). *جنبش‌های اسلامی معاصر (اسلام و دموکراسی)*. (ش، احمدوند. مترجم). چاپ ششم. تهران: نشر نی.
۲. استوار، مجید. (۱۳۹۲). *انقلاب اسلامی و نبرد نمادها*. چاپ اول. تهران: نشر نگاه معاصر.
۳. استوار، مجید. (۱۴۰۰). «بررسی جامعه‌شناختی نبرد نمادین شاه و امام خمینی (ره) در انقلاب ۵۷ از دیدگاه پیر بوردیو». *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*. دوره ۱۱، ش ۴۱، ۸۵-۱۰۱.
۴. امامی، حسن. (۱۳۹۷). *مبارزات امام خمینی و انقلاب اسلامی*. تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
۵. ایوبی، حسین. (۱۴۰۳). «کنشگر فعال و جنبش‌های جدید اجتماعی از دیدگاه آلن تورن». *مطالعات کشورها*. دوره ۲، ش ۳، ۴۹۳-۴۶۹.
۶. آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۷). *ایران بین دو انقلاب*. (ا، گل محمدی؛ ا، فتاحی. مترجم). چاپ چهاردهم. تهران: نشر نی.
۷. آیتی، حسن. (۱۳۹۶). *رسانه‌های انقلاب اسلامی*. تهران: انتشارات روزنه.

۸. بروجردی، مهرزاد. (۱۳۸۴). *روشنفکران ایرانی و غرب*. (ج، شیرازی. مترجم). چاپ چهارم. تهران: نشر فرزانه روز.
۹. بشیریه، حسین. (۱۳۸۴). *موانع توسعه سیاسی در ایران*. چاپ سوم. تهران: نشر گام نو.
۱۰. بیات، آصف. (۱۳۹۱). *سیاست های خیابانی، جنبش تهری در ایران*. (ا، نبوی. مترجم). چاپ اول. تهران: نشر شیرازه.
۱۱. تورن، آلن. (۱۴۰۰). *بازگشت کنشگر: نظریه اجتماعی در جامعه پسا صنعتی*. (س، صادقی زاده. مترجم). چاپ سوم. تهران: نشر ثالث.
۱۲. جعفری، حسین. (۱۳۹۶). *رسانه ها و انقلاب اسلامی ایران*. تهران: انتشارات روزنه.
۱۳. حسن زاده، اسماعیل. (۱۳۸۶). «هویت ملی در شعارهای انقلاب اسلامی». *مطالعات ملی*. دوره ۸، ش ۳۱، ۳۱-۸.
۱۴. خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۳). *صحیفه امام خمینی*. جلد یکم. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۵. خمینی، روح‌الله. (۱۴۰۱). *صحیفه امام خمینی*. جلد چهارم. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۶. رجایی، محمد. (۱۳۹۴). *نهضت امام خمینی و انقلاب اسلامی ایران*. تهران: مؤسسه فرهنگی قدس.
۱۷. سریع القلم، محمود. (۱۳۹۷). *اقتدارگرایی ایران در عهد پهلوی*. چاپ اول. تهران: نشر گاندی.
۱۸. شجاعی، علی. (۱۴۰۰). *رسانه‌های نوین و تحولات سیاسی ایران*. تهران: سمت.
۱۹. عشقی، لیلی. (۱۳۷۹). *زمانی غیر زمانها*. چاپ اول. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۲۰. غفاری، محمد. (۱۳۹۵). *اندیشه سیاسی امام خمینی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. کاستلز، مانوئل. (۱۳۹۳). *شبکه های خشم و امید، جنبش های اجتماعی در عصر اینترنت*. (م، قلی پور. مترجم). چاپ اول. تهران: نشر مرکز.
۲۲. کامروا، مهرا. (۱۳۹۸). *انقلاب ایران؛ ریشه های نا آرامی و شورش*. (م، مهرآیین. مترجم). چاپ دوم. تهران: کرگدن.

۲۳. کمالی، مسعود. (۱۳۸۱). *جامعه مدنی، دولت و نوسازی در ایران معاصر*. (ک، پولادی. مترجم). چاپ اول. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۲۴. مظفری، سعید. (۱۳۹۷). *رهبری امام خمینی و انقلاب اسلامی*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۵. میرصادقی، حسین. (۱۳۹۵). *رسانه و انقلاب اسلامی ایران*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۶. نبوی، نگین. (۱۳۸۸). *روشنفکران و دولت در ایران*. (ح، فشارکی. مترجم). چاپ اول. تهران: پردیس دانش.
۲۷. هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۷۶). *هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، خاطرات، تصویرها، اسناد، گاه شمار*. زیر نظر محسن هاشمی. چاپ اول. تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.

28. Touraine, Alain. (1981). *The Voice and the Eye: An Analysis of Social Movements*. Cambridge: Polity Press.